

گرامیداشت روز کومه‌له

این شماره نشریه "جهان امروز" را به گرامیداشت روز کومه‌له اختصاص داده‌ایم. در این "ویژه‌نامه" تعدادی از کادرهایی که در این تشکیلات نقش ایفا کرده‌اند ما را یاری داده‌اند تا گوشه‌هایی از سیاست و تاریخ کومه‌له را به تصویر بکشیم. بدون تردید این تاریخ یازخوانی همه‌جانبه و تکمیلی را می‌طلبد که در پرتو آن نسل جوان و مبارز بتوانند سنت‌ها و سیاستی که کومه‌له را یک نیروی قابل اعتماد کارگران و زحمتکشان کردستان و تکیه‌گاهی برای جنبش چپ و سوسیالیستی در سراسر ایران تبدیل کرد، پاسداری کنیم.

کومه‌له در پائیز سال ۱۳۴۸ در متن شرایط اجتماعی تحول یافته جامعه ایران در شرایطی بنیان‌گذاری شد که فروپاشی نظام فئودالی و تسلط مناسبات سرمایه داری، بافت اجتماعی شهرها و روستاهای ایران را به سرعت عوض کرده بود. میلیون‌ها رنجبری که سهمی از اصلاحات ارزی رژیم شاه نبرده بودند، همراه با میلیون‌ها دهقان فقیری که توانائی پرداخت اقساط زمین‌هایی را که می‌بایستی به اربابان سابق پرداخت می‌کردند، نداشتند، به شهرها روی آوردند و در حاشیه شهرها در "حلبی آبادها و مجبور آبادها" سکنی گزیدند. بدین ترتیب آنها به نیروی کار ارزان بنگاه‌های سرمایه داری جدید تبدیل شدند. رشد این طبقه اجتماعی و تمرکز آن در شهرها سیمای سیاسی جامعه را نیز دگرگون ساخت. همه مسائل اجتماعی تحت الشعاع این تحولات قرار گرفتند. تضادهای جدیدی سرباز کردند. کشمکش کارگران با سرمایه داران، بر سر ابتدایی‌ترین حقوق خود، بر سر چگونگی تامین نان و مسکن و لباس، بر سر آسایش و بهره‌مندی از امکانات زندگی شایسته انسان. چنین کشمکش‌های گسترده و اجتماعی‌ای که در شهر و



* نقش و جایگاه
نیروی پیشمرگ کومه‌له

* کومه‌له، نقطه عطف
جنبش کمونیستی
در کردستان ایران!

* این صدای
انقلاب ایران است!

* شوراها، سنگر کومه‌له
در مواجهه با
رویدادهای انقلاب

* کومه‌له و تأثیرات آن
بر جنبش برابری طلبی
و رهایی زنان

* آموزشگاه سیاسی
و نظامی کومه‌له

* خاطره‌ای از
نبرد پیشمرگان کومه‌له

جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یک بار منتشر می شود!

سر دبیر: هلمت احمدیان

زیر نظر هیئت تحریریه

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

halmatean@hotmail.com

- * جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می کند.
- * استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- * مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- * جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می رسد.
- * مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه ۴۱ با سایز ۱۲ است.

ارتجاع حاکم و فرهنگ و سنت های پوسیده مردسالارانه، دفاع از کارگران در برابر سرمایه داران، دفاع از مسلح ماندن مردم و تلاش برای مسلح کردن زحمتکشان، تشکیل و ایجاد جمعیت های دموکراتیک، تشکیل اتحادیه دهقانان، شوراها، زنان و دانش آموزان از جمله عرصه های فعالیت کومه له در این دوره است. سازماندهی حرکت توده ای بزرگی چون کوچ تاریخی مردم شهر میوان و سازماندهی دیگر تظاهرات و راهپیمایی ها که نماد دخالت دادن مستقیم مردم در مبارزه سیاسی بودند، موجب شدند تا کومه له بتواند بعد از یورش نظامی رژیم اسلامی نیز پرچمدار مقاومت توده ای و مسلحانه مردم کردستان در مقابل یورش نیروهای اشغالگر و سرکوبگر جمهوری اسلامی گردد.

پس از آزاد کردن شهرها توسط مردم و نیروی پیشمرگ در آبان ۱۳۵۸ رژیم به زانو درآمد و ریاکارانه به مذاکره تن داد. قاطعیت و کاردانی کومه له در مذاکرات با رژیم در جهت حفظ منافع جنبش و منافع کارگران و زحمتکشان و گسترش دموکراسی، سازماندهی هر چه وسیع تر فعالیت های آگاهگرانه در فاصله دو لشکرکشی رژیم به کردستان، بار دیگر توانایی کومه له در رهبری مبارزات انقلابی مردم کردستان و به میدان آوردن طبقه انقلابی را بخوبی نشان داد.

کومه له به اعتبار این کارنامه، به اعتبار پیوند دادن جنبش حق طلبانه مردم کردستان به مبارزات سراسری، به اعتبار راستگویی، صداقت و فداکاری و ارجح دادن منافع کارگران و تهدیستان جامعه به منافع سازمانی و... توانست به تکیه گاهی برای جنبش های انقلابی در ایران و کردستان و نیروهای چپ جامعه تبدیل شود. بدون شک کومه له برای این حفظ و پایداری این ارزش های رادیکال و انقلابی همراه و همدوش با مبارزات توده های استثمار شده و حق طلب کردستان و سراسر ایران، این راه را تا به آخر و تا رسیدن به فردای پیروزی با سربلندی ادامه خواهد داد.



روستا در جریان بود، جواب انقلابی خود و مبارزه طراز نوینی را می طلبید. هسته های اولیه کومه له و روشنفکران انقلابی که در آن دوران، که به سوسیالیسم علمی و به مارکسیسم روی آورده بودند و با زندگی و مبارزه کارگران و زحمتکشان همدلی داشتند، تلاش کردند تا با متشکل شدن در یک سازمان سیاسی در حد توان خود به نیازهای مبارزاتی آن دوره جواب دهند.

کم نبودند فعالین کمونیست کومه له که کاروان های کارگران کردستان را تا معدن های سمنان و دامغان، تا باراندازهای بندرعباس، تا اهواز و آبادان، تا کرمان و رفسنجان، تا تهران و اصفهان همراهی می کردند و دوش بدوش آنان کار می کردند و در میانشان بذر آگاهی می پاشیدند؛ آنان را با درد و رنج و مصیبت های دنیای سرمایه داری و راه رهایی از ستم و استثمار آشنا می کردند؛ اعتصابات و مبارزاتشان را سازمان می دادند و رهبری می کردند.

در آغاز انقلاب سال ۱۳۵۷ کادرها و فعالین صفوف کومه له در بین زحمتکشان و مردم آزادیخواه، به چهره های سرشناس پیشرو و مورد اعتماد مردم بپاخاسته و رهبر مبارزات توده ای در همه شهرها و مناطق کردستان تبدیل شدند.

کومه له پس از ۹ سال و چند ماه فعالیت مخفی، به دنبال جنباختن "محمد حسین کریمی"، از بنیانگذاران کومه له، فعالیت علنی خود را آغاز کرد. رهبران و فعالین کومه له برای توده های کارگر و زحمتکش، چهره های ناشناخته ای نبودند. همان یاران قدیمی آنها، مبارزان

مقاوم زندان های رژیم شاه، فعالین و مبارزین جنبش های کارگری و دهقانی، رهبران با نفوذ توده های وسیع مردم و رهبران مبارزه دوران قیام و شورش آنها بودند. کومه له بعد از سقوط رژیم شاه در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، سازماندهی مبارزات همگانی و توده ای، رهبری مقاومت در مقابل یورش ضد انقلابی جمهوری اسلامی، مقاومت در برابر مرتجعین محلی، دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان و زنان ستمدیده جامعه را در سرلوحه فعالیت خود قرار داد و به این اعتبار توانست طیف وسیعی از مبارزان چپ و کمونیست را با خود همراه کند.

آنچه که پس از قیام ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، سرنوشت این تشکیلات را با سرنوشت میلیون ها انسان ستمدیده و تشنه رهایی گره زد، مقاومت کومه له در مقابل دشمنان رنگارنگ کارگران و زحمتکشان بود. دفاع از دهقانان در برابر مالکان، دفاع از زحمتکشان روستا در مصادره اراضی، دفاع از زنان در برابر

تلفن، فکس و پیامگیر

- ۰۰۹۶۴۷۷۰۰۶۰۳۶۵۳
- ۰۰۴۳۶۶۰۱۱۹۵۹۰۷
- ۰۰۴۶۷۳۷۱۵۴۴۱۸
- ۰۰۴۶۷۳۶۸۷۳۰۱۴

تماس با کمیته تشکیلات (تکشی)

takesh.komalah@gmail.com





مصاحبه جهان امروز با رؤف پرستار

فرمانده نظامی کومه له و عضو کمیته اجرایی حزب کمونیست ایران
در رابطه نقش و جایگاه "نیروی پیشمرگ کومه له"

فداکاری های فراوانی انجام دادند. به عنوان مثال اگر برای مدتی در منطقه ای پیشمرگ کومه له حضور نداشته، مردم انتقاد گرفته و سؤال کرده اند و هیچگاه از این باکی نداشته اند که واکنش دشمن چه خواهد بود. همین تجربه، که مبارزه مسلحانه با مبارزات مردم عجیب بوده جایگاه نیروی پیشمرگ کومه له را در راستای یک استراتژی موفق نشان می دهد. با گذر زمان اقدامات و فعالیت های ما روشن تر شده و کومه له بمثابه نیرویی زنده، با زندگی اجتماعی در کردستان درهم آمیخته، دگرگون شده و تکامل یافت، اما بیش از نسبت به جایگاه مبارزه مسلحانه تغییری اساسی نکرد. ما هیچگاه خواهان جنگ نبودیم و نیستیم، بلکه این رژیم جمهوری اسلامی بوده که همواره با بکارگیری اسلحه و زور، خواسته حقوق و آزادی مردم را پایمال کند و امنیت را از زندگیشان بزاید. به باور ما، این حق انکارناپذیر مردم گرد است که در مقابل این جهت گیری و عملکرد دشمن، مسلح شوند و از منافعی دفاع کنند و در راستای سرنگونی این حکومت ظالمانه، بدین شیوه نیز مبارزه را به پیش ببرند.

در استراتژی کومه له، سه عرصه مبارزه تعیین شده است که در هماهنگی عملی باهم، راه را برای پیروزی این استراتژی هموار می کنند. نخست، مبارزه روزانه کارگران و توده های تهیدست جامعه برای بهبود زندگی و معیشت اقتصادی. دوم، مبارزه سیاسی در همه عرصه ها و سوم، مبارزه و مقاومت مسلحانه. به زبان دیگر استراتژی کومه له در رابطه منطقی و تکمیل کننده این سه عرصه استوار بوده و هست. این سه عرصه می توانند جامعه کردستان را به طرف طغیانی انقلابی و خیزشی توده ای، سوق دهند و نیروی اشغالگر را از کردستان بیرون برانند. البته ما در همان حال بر این واقعیت آگاه بوده ایم که هیچ پیروزی ای در کردستان، بدون در هم شکستن نیروی رژیم ←

کومه له، پرچمدار اتحاد و همبستگی مبارزاتی کارگران کرد با هم طبقه ای هایش در ایران بود و از این زاویه، خود را بخشی جدایی ناپذیر از جنبش سراسری کارگران ایران تلقی می کرد و در راستای تکامل این جنبش قدم برداشته و می توان گفت که یکی از دستاوردهای مبارزه طبقاتی در ایران محسوب می شود. پیشمرگ کومه له، آن نیرویی است که برای اولین بار مرز تبعیض و جداسازی میان زن و مرد را برداشت و همزمان توانست برابری زن و مرد را فراخوان دهد و به نیروی پیشمرگ زن و مرد تبدیل شود. در راستای این گام مهم تاریخی، با ارتجاع درون جامعه به مبارزه برخاست و بدین شکل، عهده دار یک وظیفه والای انسانی شد.

جهان امروز: اگر مقدر است توضیحی در مورد جایگاه مبارزه مسلحانه در استراتژی کومه له برای خوانندگان نشریه بدهید؟

ژئوف پرستار: قبل از اینکه پاسخ سؤال شما را بدهم، می خواهم به یک واقعیت بسیار مهم اشاره کنم، و آن اینکه، درست است که مبارزه مسلحانه علیه رژیم اسلامی در کردستان، از طریق احزاب رهبری و در چهارچوب سیاست و نیروی احزاب سیاسی در کردستان عملی شده است، و ما نیز همیشه اذعان داشته ایم که نیروی پیشمرگ کومه له بازوی مسلح کومه له بمثابه یک حزب سیاسی است، اما فعالیت در چهارچوب یک حزب نتوانسته نفوذ و اعتبار این نیرو را محدود سازد. منظورم این است که مقاومت مسلحانه در کردستان، حرکتی توده ای و مردمی بوده است. مردم کردستان در شهر و روستا با جان و دل، نیروی پیشمرگ کومه له را تقویت کرده و در این راه از خودگذشتگی و



جهان امروز: چه ضرورتی موجب تشکیل نیروی پیشمرگ کومه له شد؟

رئوف پرستار: تشکیل و سازماندهی "نیروی پیشمرگ کومه له" یک وظیفه تاریخی مهم و ضرورتی اجتماعی - طبقاتی بود که بیش از چهل سال پیش، پایه ریزی شد و تاکنون با حمایت پرشور کارگران و زحمتکشان و مردم مبارز کردستان، توانست بر موانع سرراش غلبه یابد و به الگوی برجسته استقامت و فداکاری در راه سرفرازی انسان تبدیل شود. این نیرو بازوی مسلح کارگران و زحمتکشان کردستان، محصول و نتیجه تکامل مبارزه طبقاتی و آگاهی کارگران کرد است.

چهار دهه پیش که قرار تشکیل نیروی مستقل نظامی تصویب شد، با هدف پاسخ به دو نیاز صورت گرفت.

اول: حفظ استقلال طبقاتی در مبارزه مسلحانه و جنبش عمومی و ملی در کردستان بود. کارگران و مردم استثمار شده کردستان، نیروی اصلی جنبش سیاسی و مقاومت مسلحانه علیه هجوم جمهوری اسلامی بودند و ضرورتی تاریخی بود که نیرویی متناسب با این جنبش، سازمان یابد. سازماندهی نیروی پیشمرگ کومه له، پاسخی به این نیاز و جهت دفاع از منافع استثمارشدگان در جنبش مردم کردستان بود.

دوم: در حالی که بورژوازی و نیروهای مرتجع در کردستان، به همه شیوه ها خود را مسلح کرده بودند، و از این طریق می خواستند قدرت سیاسی خود را تحمیل کنند، تشکیل نیروی مستقل طبقاتی که تمایز آن با نیروی مسلح سستی آشکار باشد و همچنین ظرف مناسبی برای پاسخ به هر نوع تجاوز ستمکاران باشد، ضرورتی حیاتی داشت. این نشانه تکامل

مبارزه سیاسی و موجودیت اجتماعی کارگران کردستان بود که در میدان مبارزه مسلحانه نیز بازتاب یافت. موجودیت و واقعیتی که مدتها بود نقش مهمی در کردستان ایفا می کرد و دیگر کارگران به طبقه اصلی جامعه تبدیل شده بودند. نیروی پیشمرگ

→ جمهوری اسلامی در سطح سراسری، برای مدتی مدید ضمانت نخواهد شد و دستاوردهایش ناپایدار خواهند بود.

جهان امروز: بر اساس توضیحات شما آیا می شود این برداشت را کرد که مبارزه مسلحانه جایگاه فرعی تری در استراتژی کومه له دارد؟

ژئوف پرستار: ما همواره تأکید کرده ایم که مبارزه مسلحانه به تنهایی نمی تواند کردستان را آزاد سازد. مبارزه پیشمرگانه یکی از اهرم های پیروزیست و باید با عرصه های دیگر مبارزات توده ای و کارگری همراه گردد. توده های کارگر و زحمتکش با نیروی خود آزاد خواهند شد. نیروی آنان نمی تواند بطور کلی در صفوف پیشمرگانی متراکم شود و به حرکت درآید. آمادگی نیروی پیشمرگ، هنگام ضربه نهایی و در شرف پیروزی، می تواند از ضرر و خسارت مردم بکاهد. در شرایطی که رژیم برای تحمیل حکومت ننگین خود بر طبقه کارگر و زحمتکش کردستان، مردم آزادیخواه و برابری طلب، زنان تشنه حقوق برابر، توده های ستمدیده و محروم از حقوق ملی، به زور سلاح متوسل می شود، آیا حق مشروع و عادلانه این مردم نیست که مسلحانه در برابر آن بایستند؟ مبارزه پیشمرگانه در کردستان، سستی قابل احترام است. مردم کردستان با حمایت خود از این نیرو، در واقع از حرمت انسانی خود محافظت کرده اند و هزاران انسان، بخشی از بهترین سال های عمر خود را در صفوف این نیرو سپری کرده اند و به حق به گذشته خود افتخار می کنند. مجموعه زیادی از انسان های کمونیست و چهره های محبوب توده های مردم که آرزوی سوسیالیسم و رهایی انسان در اعماق قلبشان جای داشت، در صفوف نیروی پیشمرگ کومه له جان باختند.

جهان امروز: دستاوردهای نیروی پیشمرگ کومه له به لحاظ سیاسی، نظامی و اجتماعی در دوره های مختلف که شرایط تغییر کرده، کدام ها هستند؟

ژئوف پرستار: از زمانی که به فرمان خمینی در تاریخ ۲۸ مرداد سال ۱۳۵۸ تهاجم گسترده و وحشیانه به کردستان آغاز شد و کومه له مردم کردستان را به مقاومت در برابر این تهاجم فراخواند، مبارزه مسلحانه نیروی پیشمرگ یکی

از پایه های جنبش انقلابی مردم کردستان در برابر رژیم جمهوری اسلامی بوده است. مبارزه مسلحانه نیروی پیشمرگ در دهه شصت یعنی در دوره ای که مبارزات توده ای در شهرها فروکش کرده بود به عنوان نماد مقاومت مردم در برابر رژیم اسلامی، جنبش انقلابی کردستان را شعله ور نگه داشت.

مبارزه مسلحانه پیشمرگ کومه له در خدمت تقویت مبارزات و اعتراضات توده ای مردم کردستان در برابر رژیم جمهوری اسلامی است. در دوره ای که رژیم جمهوری اسلامی کردستان را میلیتاریزه کرده و بسیاری از مناطق کردستان را اشغال کرده بود، حضور پیشمرگان کومه له در میان مردم و فعالیت نظامی این نیرو، مشوق مبارزه مردم در برابر سیاست سربازگیری اجباری و کوچ اجباری بود. به دلیل حضور نیروی پیشمرگ و فعالیت های آن رژیم هیچگاه در کردستان نتوانست مانند دیگر نقاط ایران جوانان را راهی جبهه های جنگ ایران و عراق کند.

پیشمرگان کومه له بر خلاف نیروی پیشمرگ احزاب و نیروهای ناسیونالیست که خود را بالای سر مردم می دانستند، همواره خود را همراه مردم زحمتکش می دانستند. نیروی پیشمرگ کومه له با حضور خود در میدان مبارزه سیاسی و مسلحانه علیه ستم و سرکوب دولت مرکزی مدافع حقوق اولیه مردم زحمتکش در جامعه کردستان بوده است. پیشمرگ کومه له حامل فرهنگ پیشرو و مبلغ و مروج و مدافع ایده برابری انسان ها بودند. نیروی پیشمرگ کومه له در میان مردم به عنوان نیروی مدافع برابری زن و مرد، نیروی مدافع حقوق کودکان، یار و دلسوز زحمتکش شناخته می شد. نیروی پیشمرگ کومه له نه تنها به مردم زحمتکش کردستان زور نمی گفتند، بلکه آنها را به مبارزه علیه زور گویان فراخوان می دادند و در برابر زورگویان از آنها دفاع می کردند. پیشمرگ کومه له در تقابل با فرهنگ و سنت نیروی مسلح احزاب ناسیونالیست فرهنگ و سنت های نوینی در مناسبات با مردم پایه ریزی کرد.

حضور زنان پیشرو در صف پیشمرگان کومه له و مبارزه آنان دوش به دوش مردان، اعتماد به نفس بیشتری به زنان کردستان در مبارزه با فرهنگ مذهبی و مردسالارانه بخشید. حضور زنان در صف پیشمرگان به خصلت نمای پیشمرگ کومه له در میان مردم کردستان تبدیل شد. نیروی پیشمرگ کومه له نه فقط حماسه آفرین میدان نبرد، بلکه در همان حال پرچمدار برابری زن و مرد بوده است. نیروی پیشمرگ کومه له، هر جا که حضور داشته از خود یادگارهای ارزشمندی در زمینه های اجتماعی برای بهتر

کردن شرایط زندگی مردم، به جا گذاشته و بذر آگاهی کاشته و افق سوسیالیسم را به روی مردم ستمدیده و زحمتکش و استعمار شده گشوده است. بدینسان بود که نیروی پیشمرگ کومه له به یکی از ستون های نیرومند یک مقاومت گسترده اجتماعی تبدیل شد. مقاومتی که در نتیجه آن مردم کردستان در برابر رژیم جمهوری اسلامی سر فرود نیاوردند و پیشمرگ کومه له از جمله به خاطر پایداری در سنگر همین مقاومت بود که در فلب مردم کردستان جای گرفت. رفتار انسانی پیشمرگان کومه له نسبت به اسرای جنگی و رعایت حقوق انسانی آنها همواره زبانزد مردم کردستان بوده است.

از آنجا که استراتژی سوسیالیستی کومه له، کارگران و زحمتکش کردستان را نیروی محرکه و موتور پیش برنده جنبش انقلابی کردستان می داند، نیروی پیشمرگ کومه له هم مردم کارگر و زحمتکش را بی وظیفه نمی کند و در انتظار پیروزی نظامی خود، ننگه نمی دارد، بلکه اعتماد به نفس و اتکا به نیروی خود را در آنان تقویت می سازد. چشم انداز نیروی پیشمرگ کومه له برای رهایی مردم کارگر و زحمتکش، انقلاب است. انقلابی که نیروی محرکه آن را کارگران و زحمتکش تشکیل می دهند. چنین انقلابی نه ناشی از اراده ما، بلکه مبتنی بر واقعیات بنیادین اقتصادی و اجتماعی است. تضادهای طبقاتی، نابرابری ها و تبعیض ها و محرومیت های اجتماعی، فقدان آزادی های فردی و سیاسی، ممانعت از آزاد اندیشی و آزاد زیستن و غیره است که یک جامعه را به سوی انقلاب سوق می دهد، انقلاب به معنی جابجایی قدرت سیاسی از اقلیتی کوچک به اکثریت تولیدکنندگان ثروت و نعمت جامعه، یعنی ایجاد تحولات بنیادی اقتصادی و اجتماعی در زندگی مردم. نیروی پیشمرگ کومه له تلاش می کند تا به سهم خود توازن قوا را به نفع جبهه مردم کارگر و زحمتکش عوض کند و شرایط انقلاب و قیام توده ای را نزدیکتر سازد. در نتیجه فعالیت این نیرو، پیروزی نهایی در مبارزه برای تحقق اهداف مردم کردستان و تامین آزادی و حق تعیین سرنوشت، از راههایی سهل تر و کم تلفات تری میسر خواهد شد. مردم کردستان با پشتیبانی خود از این نیرو، با مشارکت در فعالیت های آن، در واقع از حرمت انسانی خود دفاع کرده اند. هزاران انسان بخشی از بهترین سال های عمر خود را در صفوف این نیرو سپری کردند و به حق به گذشته خود افتخار می کنند. شمار زیادی از انسان های کمونیست و ←

محمد نبوی



کومه له

نقطه عطف جنبش کمونیستی در کردستان ایران!

و به سرانجام رساندن انقلاب را پیدا نکردند و نهایتاً اسلام سیاسی خمینی قادر شد برامواج خروشان توده‌ها سوار شود و مسیرانقلاب آنان را که آزادیخواهی و تامین عدالت اجتماعی و یک زندگی انسانی بود به دیاری ناشناخته و غیرقابل تصور، تغییردهد.

طبقه کارگر ایران اگرچه، در شکوفائی انقلاب و مرگ تدریجی نظام پهلوی نقش بالائی داشت (چون اگر بحران اقتصادی اوائل دهه پنجاه خورشیدی رامنا بگیریم و اعتراضات حاشیه نشینان تهران را کلید زدن انقلاب به حساب آوریم، این پروسه تا ۲۲ بهمن ۵۷ بیش ازیک سال طول کشید) و ناقوس مرگ دودمان پهلوی را در واقع اعتصابات سراسری کارگری و در راس آن کارگران صنعت نفت بصدا درآورد، اما این طبقه از لحاظ رهبری سیاسی بسیار ضعیف بود. حزب توده ایران که در آن زمان داعیه‌ی رهبری طبقه کارگر را داشت، از سال ۳۲ و بعد از شکست جنبش ملی مصدق، منزلت‌ش را نزد طبقه کارگر ایران از دست داده بود، در انقلاب ۵۷ بدلیل عملکردش همچون کارگزار دولت شوروی، اساساً در وضعیتی نبود که از لحاظ سیاسی کمک حال طبقه کارگر باشد. سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران نیز بعنوان بدیل کمونیستی حزب توده اگرچه همچون یک جریان میلیتانت محبوبیت زیادی کسب کرده بود، اما از لحاظ مثنی سیاسی قادرنشد پیوند ارگانیک با طبقه کارگر پیدا کند و بتواند افق مبارزاتی طبقه کارگر ایران را از سرنوشتی شاه تا هژمونی کسب قدرت سیاسی و رهبری قیام توده‌های مردم ارتقا دهد. سایر جریان‌های

در بازنگری روزشمار مبارزات کمونیست‌ها و تحولات سیاسی جامعه کردستان در نیم قرن گذشته، نقطه عطف هائی وجود دارند که می‌توانند بسیار مهم، تاثیرگذار و آموزنده باشند. تولد کومه‌له در کردستان در گرماگرم یک تلاطم طبقاتی و اجتماعی جامعه کردستان، یکی از این نقطه عطف‌ها و به باور من مهمترین آن است.

نطفه تشکیلاتی که ده سال بعد سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران و به اختصار کومه‌له نام گرفت، اگرچه بر بستر تحولاتی که در دهه‌ی چهل خورشیدی در جامعه ایران شکل گرفته بود بسته شد، اما رشد و تکامل آن یک دهه بعد و در جریان انقلاب ۱۳۵۷ به وقوع پیوست. انقلابی کهگرداندگان مهم آن یعنی دو طبقه کارگر و سرمایه دار مغلوب اسلام سیاسی خمینی شدند.

سرنوشت انقلاب ایران اگرچه تا قیام با شکوه ۲۲ بهمن نامعلوم بود، اما وقوع قیام مسلحانه و تلاش پیگیر و بی تردید کومه‌له برای بسیج توده‌های کارگر و زحمتکش شهر و روستا از لحظه اعلام موجودیت علنی تا تشکیل حزب کمونیست ایران، از نظر طیف بسیار وسیعی از کمونیست‌های کردستان، آغاز جدی پروسه تعمیق انقلاب در راستای منافع مشخص طبقه کارگر ایران بود.

قیام ۱۳۵۷ ایران اگرچه تاریخاً نبرد و تعیین تکلیف دو طبقه اصلی جامعه ایران یعنی طبقه کارگر و طبقه سرمایه‌دار بود، اما بدلائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و همچنین شرایط جهانی، هیچ یک از نمایندگان سیاسی این دو طبقه اصلی استطاعت رهبری

بقیه جنبش‌ها و جمع‌های دیگر، خود را سازمان داده اند، روز به روز بیشتر به سمت مبارزه با رژیم ددمنش اسلامی سرمایه، سوق داده می‌شوند.

این رژیم با زور سرکوب و جنایت به حکومت نینگین خود ادامه می‌دهد و قدرت پاسخگویی به مطالبات مردم را ندارد. تردیدی نیست که وجود پیشمرگ کومه له، بمنابۀ بازوی مسلح و نظامی کومه‌له، بسیار مهم است که در برهه‌های ضروری، بمانند حامی و پشتیبان، همزمان با آغاز و گسترش این مبارزه، نقش سرنوشت ساز خود را در جنبش انقلابی کردستان، به نفع جبهه کارگران و زحمتکشان، ایفا کند. این ضرورتیست در راستای حفظ دستاوردها و نیل به پیروزی با کمترین ضرر و زیان. در چنین شرایطی، نیروی پیشمرگ کومه‌له، بمنابۀ ستون فقرات جنبش انقلابی کردستان، که از حمایت نیروی کارگران و زحمتکشان و ستمدیدگان برخوردار است، چه در مبارزه برای به زانو درآوردن رژیم در کردستان و چه بعدها جهت خشتی کردن توطئه‌های دولت‌ها، احزاب و دسته‌های بورژوا ناسیونالیست، که همواره برای دستاوردها و منافع جنبش انقلابی کردستان خطر محسوب می‌شوند، به یاری می‌شتابد. به همین خاطر، حفظ و تقویت و گسترش نیروی پیشمرگ کومه له، پرورش و افزایش ظرفیت و توانایی سیاسی و نظامی این نیرو در همین راستا، وظیفه همیشگی و مهم سیاسی، طبقاتی و تشکیلاتی کومه له بوده و خواهد بود. به همین جهت، جوانان انقلابی، همزمان با شرکت فعالانه در جنبش‌های اجتماعی، بایستی مبارزه خود را با فعالیت سیاسی، نظامی و سازماندهی کومه له پیوند دهند و این ضرورتی دو طرفه، جهت زنده نگاه داشتن و به پیروزی رساندن مبارزه علیه رژیم و تحقق خواست و مطالبات توده‌های محروم و ستمدیده است.

چهره‌های شناخته شده و محبوب مردم کردستان که آرزوی رهایی انسان از استثمار و از کارمزدی در دل داشتند، در صفوف این نیرو جان باختند.

امروزه اگرچه چندین سال است که این نیرو در پیروی از یک سیاست اعلام شده معین، فعالیت‌های مستقیم نظامی علیه نیروهای جمهوری اسلامی انجام نداده، اما همواره خود را با این رژیم در حال جنگ دیده است و هرگز جایگاه مبارزه و مقاومت مسلحانه و حقانیت آن در استراتژی ما زیر سؤال نرفته است.

جهان امروز: چرا اکنون که مبارزه مسلحانه‌ای در جریان نیست، باید نیروی پیشمرگ کومه‌له را تقویت کرد و وظایف آتی نیروی پیشمرگ کومه‌له بمنابۀ بازوی مسلح کارگران و زحمتکشان چیست؟

ژئوف پرستار: تحلیل شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران و همچنین کردستان، ما را به این نتیجه می‌رساند که جامعه ایران، در آستانه یک دگرگونی عظیم اجتماعی قرار دارد. یک سوی این کشمکش، رژیم‌ها و درنده جمهوری اسلامی است که تاکنون توانسته به ضرب کشتار، زندان و شکنجه و همچنین با بکارگیری دستگاه‌های عریض و طویل امنیتی و سرکوب حکومتی، خود را بر مردم تحمیل کند. در آن سوی دیگر، مردم ستمدیده و محرومی قرار دارند که بدلیل بی حقوقی، گرسنگی، فقر و نبود آزادی، زندگی و معیشتشان تباہ شده و زیر فشار قرار دارند. مردمی که علیه این نابرابری، در جنبش‌های اجتماعی مانند جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دانشجویان و معلمان، جنبش انقلابی مردم کردستان و

مردم بپاخاسته را تا آنجا که ممکن بود، ارتقا دهد. از تیرماه ۱۳۵۷ تا پایان بهمن ماه این سال، دو ویژگی در مبارزات مردم کردستان اتفاق افتاده بود که بعداً موجب تعمیق بیشتر انقلاب و ماندگاری بیشتر دستاوردهای آن در این منطقه از ایران شد. این دو ویژگی عبارت بودند از: اول قبول هژمونی کمونیست‌ها بعنوان نیرویی که از کارگران و محرومان و آزادیخواهان دفاع می‌کند و دوم به میدان آمدن کومه‌له، یعنی یک جریان کمونیستی که خود را متعلق به کارگران و زحمتکشان و آزادیخواهان جامعه می‌داند. در واقع با اعلام موجودیت کومه‌له است که این استقلال طبقاتی در همه عرصه‌های مبارزاتی معنی پیدا می‌کند و کومه‌له با شرکت و رهبری عرصه‌های مهم سیاسی می‌کوشد ظرفیت‌های رادیکال توده‌های مردم را بکارگیرد.

*** شرکت در تنظیم طرح ۸ ماده‌ای مه‌باد بعنوان اولین خواست مدون مردم کردستان در رابطه با حق تعیین سرنوشت.**

*** تلاش در ایجاد جمعیت‌های دموکراتیک برای دفاع از مطالبات و دستاوردهای انقلاب و حقوق مردم زحمتکش و دفاع از حق تعیین سرنوشت. (جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب - سندج / دفاع از زحمتکشان و حقوق ملی کرد - بوکان / جمعیت راه رهایی زحمتکشان کرد سندوس - نقده / جمعیت راه رهایی زحمتکشان در کردستان - مه‌باد / و.....) کومه‌له قبل از نوروز خونین سندج (نوروز ۱۳۵۸) طی**

اطلاعیه‌ای تشکیل این جمعیت‌های دموکراتیک را به مردم کردستان و اعضای جمعیت‌ها تبریک گفت و از مردم کردستان خواست برای حفظ دستاوردهای قیام و دفاع از انقلاب هرچه بیشتر خود را مسلح کنند.

*** اقدام بعدی کومه‌له در دخالت دادن هرچه بیشتر زحمتکشان برای دفاع از دستاوردهای انقلاب، در اسفند ماه ۵۷، همانا ایجاد اولین اتحادیه‌ی دهقانان زحمتکش در میوان بود که به منظور مقابله با توطئه‌های مسلحانه اربابان و رژیم تازه بر سرکار آمده و دیگر نیروهای ارتجاعی در کردستان، ایجاد گردید. این اتحادیه خواسته‌های خود را در ۱۰ ماده تنظیم و به اطلاع مردم کردستان رسانید که موجب جلب پشتیبانی آنان قرار**

ساختن موجودیت کومه‌له اعلام کرد. در این اطلاعیه کومه‌له خطاب به توده‌های کارگر و زحمتکش کردستان اعلام کرد که این تشکیلات انقلابی متعلق به کارگران و توده‌های محروم کردستان است و برای نخستین بار کارگران کردستان شنیدند تشکیلاتی که موجودیت خود را علنی ساخته می‌گوید فقط به آنان تعلق دارد و از منافع مستقل آنان در برابر دیگر طبقات این جامعه دفاع می‌کند.

بعد از اعلام موجودیت علنی کومه‌له، رهبران و فعالین این جریان که قبل از اعلام موجودیت علنی در پروسه شکل‌گیری مبارزات مردم کردستان نقش قابل توجهی در سازماندهی اعتراضات و مبارزات توده‌های مردم داشتند، با سرعت و سهولت توانستند به مرکز ثقل محافل متعددی از کمونیست‌ها و مبارزین انقلابی شهرهای کردستان تبدیل شوند و در مدت زمان کوتاهی، دلسوزترین، فداکارترین و صادق‌ترین روشنفکران و کارگران انقلابی و کمونیست جذب سیاست‌ها و تاکتیک‌های آن شدند. اگر چه خیلی قبل از اعلام موجودیت کومه‌له جریان‌های چپ و کمونیست، از جمله سازمان‌های فدایی خلق و اتحادیه کمونیست‌ها و همچنین حزب دمکرات کردستان ایران، صاحب اسم و رسم بودند و در فردای ۲۲ بهمن دفتر و بارگاه خود را دایر کردند، اما اولین گام کومه‌له این بود که با دخالت در عرصه‌های مهم سیاسی و با دخیل کردن محافل متعددی از کمونیست‌ها و جوانان انقلابی که تا آن زمان سازماندهی مبارزه با ارتجاع محلی و دارودسته مفتی زاده را بعهدہ داشتند، ظرفیت رادیکال

چپ و کمونیست نیز، اگر چه نبردکنان مسیرانقلاب را می‌پیمودند، اما هنوز اندر خم یک کوچه بودند.

آنچه در کردستان نیز همانند دیگر نقاط ایران بوقوع پیوست، چیزی نبود جز اثبات این واقعیت که مطالبات مردم کردستان نیز، نتیجه بی‌چون و چرای مبارزه طبقاتی است. مالکان و اربابان دوره اصلاحات ارضی از ترس زحمتکشان روستا بسرعت خود را مسلح ساخته و در بعضی از مناطق کردستان، مانند "سوما و برادوست" حتی پیش دستی کرده و دهقانان این منطقه را چند ماه قبل از سرنگونی شاه به ترک خانه و کاشانه خود مجبور کردند. در شهرها نیز تجار و سرمایه‌داران و اقبشار مرفه اگر چه با تاخیر به صف توده‌های معترض پیوستند، اما جذب مفتی زاده و مکتب قرآن شده، سپس در مقطع بعدی به حزب دمکرات ملحق شدند. توده کارگران و زحمتکشان حاشیه‌ی شهرهای کردستان که در مهاجرت و کارگری به شهرهای بزرگ ایران با الفبای کارگری آشنا شده بودند، دانش آموزشی که در سایه‌ی تلاش صدها معلم آموزش دیده در دانشگاه‌های ایران با افکار مترقی و آزادیخواهی بار آمده بودند، دانشجویان کردی که بعد از تحولات دهه‌ی چهل خورشیدی در مقیاس صدها نفر به دانشگاه‌ها راه یافته بودند، دهقانانی که در مقابل شکل‌گیری اربابان خود را تنها و بی‌پناه احساس می‌کردند. بتدریج به اعتراضاتی که از مدتها قبل در تهران و تبریز و..... شروع شده بود، پیوستند.

اعتراضات حول مطالبات از اوائل تابستان ۱۳۵۷ یعنی از ۱۷ تیر و در دفاع از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زندان سندج (که به ابتکار رفیق رهبر فواد مصطفی سلطانی زندانیان سیاسی زندان سندج از روز دهم تیرماه وارد اعتصاب غذا شده بودند) در دادسرای شهر سندج شروع شد و متعاقب آن مبارزه و مقاومت مردم کردستان در راستای کسب خواسته‌ها و مطالبات تعمیق یافت.

در تاریخ ۲۹ بهمن ماه ۱۳۵۷ سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران - کومه‌له، روز ۲۶ بهمن را به مناسبت جانباختن رفیق محمد حسین کرمی، یکی از رهبران و بنیانگذاران این سازمان، بعنوان روز علنی



تعمیق و ادامه این انقلاب، کومه‌له را در میدان عمل آزموده‌تر کرد و هنگامیکه پس از یورش جمهوری اسلامی به کردستان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ با مسئله رهبری یک جنبش توده‌ای حق طلبانه روبرو و بیش از پیش متوجه این واقعیت شد که هیچکدام از آن ایده‌ها و تئوری‌های به ظاهر مارکسیستی که بر جنبش کمونیستی تا آن وقت حاکم بودند، پاسخگوی مسائل انقلاب نیستند و گروه‌ها و سازمان‌های مدافع این ایده‌ها اگرچه بعضاً انقلابی عمل می‌کنند، اما در مجموع منافع اقلیت و طبقاتی غیر از طبقه کارگر را نمایندگی می‌کنند. این سازمان‌ها طبقه کارگر را به انقلاب فرامی‌خوانند، اما در نیمه راه آنان را به سازش با سرمایه‌داری ارجاع می‌دهند.

از مقطع اعلام موجودیت علنی کومه‌له تا تاسیس حزب کمونیست ایران، کومه‌له به پیروی از خواست طبقه کارگر ایران که خواهان تداوم و تعمیق انقلاب بود، همچون یک جریان کمونیستی در برابر تمامی مخالفان و دشمنان طبقه کارگر، در برابر تمامی مدافعان نظام سرمایه‌داری و استثمار قاطعانه ایستاد. علیه تمامی دشمنان طبقه کارگر به مبارزه برخاست و پرچم دفاع از منافع و صف مستقل طبقه کارگر را افراشته نگه داشت و تلاش برای تشکیل حزب کمونیست ایران را در راستای منافع عمومی طبقه کارگر و استقلال این طبقه در ۱۱ شهریور ۱۳۶۲ با سازمان همسنگر خود "اتحاد مبارزان کمونیست" که پرچم مارکسیسم انقلابی و استقلال طبقاتی طبقه کارگر را به اهتزاز درآورده بود به سرانجام رساند.

۱۸ بهمن ۱۳۹۹



آزمونی بود برای حقانیت کمونیست‌ها و در راس آن کومه‌له برای رهبری مبارزات مردم در رسیدن به اهدافشان.

* توازن قوایی که متعاقب پیروزی کمونیست‌ها، در نتیجه سیاست درست کومه‌له و با نفوذ و شجاعت رفیق صدیق کمانگر، در مذاکره با هیات بلند پایه‌ی شورای انقلاب و دولت موقت بوجود آمده بود، گذشته از اینکه اراده مردم کردستان در اداره شورایی و اعتماد بنفس سایر مناطق کردستان را ارتقا داد، همزمان سنگ بنای رهبری کومه‌له را نیز در جنبشی که چند ماه بعد "جنبش مقاومت کردستان" نام گرفت، نهاد. در سایه‌ی این توازن قوا بود که کومه‌له و زنده یاد ماموستا شیخ عزالدین حسینی مسئله تحریم فراندن جمهوری اسلامی را که در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ برگزار شد، مطرح کردند و حزب دمکرات هم به آن پیوست.

* کوچ تاریخی مردم مریوان (۳۰ تیرماه ۱۳۵۸) تجربه موفق دیگری است که اعتماد به نفس کومه‌له را جهت آمادگی رهبری توده‌ای در ابعاد بزرگتر به اثبات رساند. ساکنین یک شهر از پیر و جوان و زن و مرد که برای جلوگیری از کشتار مردم بی دفاع، مکان سکونت و فعالیت اجتماعی خود را ترک میکنند و با این اقدام خطر حمله پادگان مریوان را که چمران در آن مستقر شده خنثی می‌کنند. این حرکت توده‌ای که مشخصاً با رهبری رفیق جانباخته فواد مصطفی سلطانی هدایت می‌شود، گذشته از اینکه خواست و مطالبات آزادیخواهان مردم کردستان در سطح ایران و در سطح سایر جنبش‌های اجتماعی مطرح می‌کند، بلکه موجب اتحاد و انسجام هرچه بیشتر مردم کردستان می‌شود. تجربه انقلاب ۵۷ ایران و نیاز طبقه کارگر به

گرفت و متعاقب آن چندین اتحادیه دهقانی در سراسر کردستان تشکیل گردید و این اتحادیه‌ها توانستند ظرف مدت چند ماه یعنی تا فرمان حمله خمینی در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ بخش بزرگی از زمین‌های را که اربابان با کمک دولت و مرتجعین تصرف کرده بودند، مصادره نمایند.

* اقدام دیگر کومه‌له در این مدت همکاری بیدریغ و صمیمانه با فعالین کمونیستی بود که علیه فلاکت اقتصادی مشغول تشکل سازی در میان کارگران و بیکاران کردستان بودند.

* اگرچه ایجاد صف مستقل کمونیست‌ها و آزادیخواهان مترقی در کردستان، موجب اعتماد به نفس زنان شده بود و حضور زنان در تظاهرات‌ها و جنگ و گریزهای خیابانی مشهود بود، اما تلاش کومه‌له در ایجاد تشکل زنان موجب تشکیل شورای زنان در اغلب شهرهای کردستان شد.

* با تقابل هرچه بیشتر توده‌های انقلابی در سراسر ایران برای تثبیت دستاوردهای دمکراتیک ناشی از انقلاب از طرفی و ضدانقلاب طرفدار خمینی از طرف دیگر، در کردستان نیز یک صف آرائی کامل بوجود آمده بود، منتها دست بالا پیدا کردن چپ در کردستان و مخصوصاً در وقایع نوروز سنندج (که به نوروز خونین مشهور است) و نقش بسیار مهم و ارزنده رفیق صدیق کمانگر در مذاکره با هیات بلند پایه‌ی شورای انقلاب و دولت موقت بازرگان (آیت الله طالقانی، بهشتی، رفسنجانی، بنی صدر و...) و نهایتاً تثبیت حاکمیت شورایی ناشی از اراده مردم و متعاقباً تحقق شورای شهر سنندج،



گرامی باد ۲۶ بهمن

سالروز علنی شدن

فعالیت کومه‌له

روز کومه‌له، روز گرمی داشت سازمانی است که افق سوسیالیستی و حاکمیت شورایی را در جنبش انقلابی کردستان بر روی توده‌های کارگر و زحمتکش زنده نگه داشته است. کومه‌له در دفاع از حقوق و مبارزات کارگران و ستم‌دیدگان، سازماندهی و هدایت مبارزه‌ی طبقاتی، پیکار در راه رفع ستم ملی و جنسیتی و هرگونه تبعیض و نابرابری، مبارزه برای تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و علیه استبداد و سرکوبگری، بیش از چهار دهه با عزم راسخ و انقلابی در رأس مبارزه‌ی کارگران و فرودستان مبارزه کرده است. روز کومه‌له، روز گرمی داشت جریانی است که به‌عنوان ستون پر قدرت حزب کمونیست ایران، با درپیش گرفتن افق سراسری و سوسیالیستی، به امر سازماندهی و به‌ثمر رساندن انقلاب کارگری و برقراری سوسیالیسم در ایران یاری می‌رساند.

برقرار باد سوسیالیسم و حاکمیت شورایی کارگران و زحمتکشان
زنده باید آزادی، برابری، حکومت کارگری
زنده باد کومه‌له



این "صدای انقلاب ایران" است!

مدت های طولانی پخش پارازیت محلی در شهرهای کردستان که نه تنها به سلامت مردم صدمات جبران ناپذیری وارد کرد، بلکه تلاش جنایتکاران اسلامی سرمایه برای خفه کردن صدای ستم دیدگان و خروش انقلاب بود.

این چند سطر به هیچ وجه ادای دین به همه فداکاری‌ها، تلاش‌ها و همه آن کار بزرگی که برای رساندن صدای انقلاب، صدای اعتراض و حق طلبی و آزادیخواهی مردم کارگر و زحمتکش، انجام گردید، نمی‌کند، تنها بخش کوچکی از سیاست‌ها و تصمیمات و کار انقلابی کومه له در آن دوره را به یاد می‌آورد. جا دارد که گرمی بدریم یاد همه آن زنان و مردان و جان‌های شیفته‌ای که در این قدم و همه آن دلاورانی که در سنگر کومه‌له برای آزادی و برابری جان باختند.

۰۲۰۲۲۰۲۱

"کردی افشار" از آنتن پخش می‌شد، از کرمان و تهران و سنج و مهاباد و ... توسط رفقای تشکیلات مخفی جواب مثبت پخش امواج رادیو کومه له از آن نقاط رسید. موج شادی و شغف جای خستگی و مشقات چندین ماهه را گرفت، دیگر کسی به موتور جوشکاری که به جای ژنراتور برق استفاده می‌شد فکر نمی‌کرد چونکه آمادگی‌ها برای تهیه و ایجاد یک مرکز فرستنده کامل و ضبط و پخش شروع شده بود. تا اینکه بعد از دو سه ماهی. "این صدای انقلاب ایران است، صدای انقلاب ایران را از کردستان می‌شنوید" را با صدای رسا و گرم رفیق محمد کمالی همگان شنیدند.

با شروع کار فرستنده‌ها و تهیه و پخش برنامه‌های متنوع، نبردی شور انگیز در جبهه آگاه‌گری و تبلیغات گشوده شد. مبارزات کارگران کوره پزخانه‌ها، محلات حاشیه شهرها، اول ماه مه‌ها و گزارش‌های عملیات‌های جسورانه و خلاقیت‌های نوین پیشمرگان کومه‌له در همه مناطق کردستان چه فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و چه نظامی یکی از بخش‌های همیشگی این رادیو بود. هدایت فعالیت‌های تشکیلات‌های مخفی و رساندن پیام‌های رمز شده کمیته‌های تشکیلاتی و کار آموزش و درس‌های مارکسیسم و مجموعه‌ای وسیع از تحلیل و گزارش نیز بخش‌هایی دیگر از برنامه‌های رادیو را تشکیل می‌داد. نبرد در فضا و یا بقول زفیق و رهبر جانباخته دکتر جعفر شفیعی «نبرد امواج»، مبارزه همه روزه با پخش امواج پارازیت قوی و حتی در

یکی از پرتائیرترین و ماندگارترین اقدامات کومه له ایجاد "رادیو صدای انقلاب ایران" بود. از ابتدا مشکلات و موانع فراوانی در برابر ما قرار داشت، ما اطلاعات و امکانات کافی فنی و تکنیکی، مالی و تجربه تحریریه و امورات پخش رادیویی و ده‌ها معضل دیگر را نداشتیم. مسائل مهمی موجود بود که می‌بایستی با دقت، نقشه مند و با دورنما به آنها جواب داده می‌شد، از جمله چرایی نیاز به رادیو، یک ارزیابی سیاسی از موقعیت و شرایط جنبش مسلحانه، نام و ادامه کاری رادیو در آن شرایط، همه اینها و ده‌ها موضوع بزرگ و کوچک دیگر ضرورت یک تصمیم‌گیری سیاسی بزرگ را در مقابل کومه له قرار داده بود.

بزودی زمزمه تصمیم کومه له برای ایجاد رادیو از مرزهای تشکیلات و صفوف پیشمرگان گذشته و به بحث مردم شهرها و روستاهای کردستان و مجامع مبارزین سیاسی و حتی سازمان‌های سیاسی آن دوره تبدیل گردید.

کارهای عملی ساخت یک فرستنده موج کوتاه با کمترین امکانات آغاز گردید، بعد از شکست دهها بار آزمایش، انتظار شنیدن رادیوی ما در میان مردم بالا گرفت تا جائیکه یکی می‌گفت رادیو کومه له "یک پیچ کم دارد"، یکی می‌گفت "لامپ" و دیگری "خازن" و ... و با گذشت چند ماه از نیمه دوم سال ۶۰ شمسی بالاخره در روزی که آهنگ‌های زیبای «شورامیروف» و

از سایت‌های

حزب کمونیست ایران و کومه‌له دیدن کنید!

کومه له، سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

www.komalah.org



حزب کمونیست ایران

www.cpiran.org



صدیقه محمدی



کومه‌له و تأثیرات آن بر جنبش برابری طلبی و رهایی زنان

مردم، تشکیل شوراهای روستا و... توانست تأثیرات فراموش نشدنی و بسزائی در تغییر افکار زنان، مردان و کودکان روستاها داشته باشد. رادیو کومه‌له هم یکی از ارگان‌های مهم در ترویج افکار مترقی و ارتقای آگاهی توده‌ها بوده و نقش مؤثری داشت.

روی آوری زنان و دختران به کومه‌له در رشد آگاهی‌شان تأثیر داشت و آنها توانستند در ارگانهای مختلف آموزشی، پزشکی، تدارکاتی و نظامی و تشکیلات مخفی، وظیفه بعهده بگیرند و توان خود را ثابت کنند. زنان از شرکت در اعتراضات توده‌ای تا مبارزه مسلحانه زنان در همه عرصه‌های کار تشکیلاتی و سیاسی پایبای مردان سهیم بودند. زنان در صفوف کومه‌له رشد سیاسی و تشکیلاتی کرده و در مسئولیت‌های حزبی در همه ارگان‌های تشکیلاتی نظامی، سیاسی، دسته‌های سازمانده، کمیته‌ها و رهبری کومه‌له جایگاه خود را با نشان دادن توانائی‌های خود نشان دادند. دانش مارکسیستی و تجربه کار عملی در صفوف پیشمرگان از زنان و مردان کومه‌له، کادرهای کمونیستی ساخت که علیرغم انشعاب‌ها، این کادرها اکنون در کل جنبش چپ حضور فعال دارند و به گذشته خود افتخار می‌کنند.

اکنون کومه‌له طیف وسیعی از مردم کردستان را شامل می‌شود که خواهان آزادی، برابری و حکومت شورایی در کردستان و ایران هستند. تشکیل حزب کمونیست ایران در شهریور ۱۳۶۲ و پیوستن عده زیادی از کمونیست‌های ایران به کومه‌له البته در تقویت مارکسیسم انقلابی و فاصله گرفتن از پوپولیسم در کومه‌له مؤثر بود.

اکنون که ۴۲ سال از فعالیت علنی کومه‌له می‌گذرد، جنبش انقلابی در کردستان برای قیامی دیگر و تغییر در جامع یک مدل سوسیالیستی برای جایگزینی این رژیم دارد و از آگاهی بسیار بالاتری از مقطع قیام ۵۷ برخوردار است. کومه‌له در کردستان توده‌ها را به علم مارکسیسم آشنا کرد، باور به خود را در میان آنان تقویت کرد، و به همگان آموخت که ستم بر زن پایه اقتصادی دارد و رهایی از هر نوع ستم، تبعیض و استثمار به مبارزه برای سوسیالیسم گره خورده است. مردم به

طی ۳۴ سال فعالیت، هیچ تأثیری برخواست برابری زن و مرد نگذاشته بود. برخلاف احزاب ناسیونالیست و بورژوازی، کومه‌له در رابطه با امر برابری زن و مرد نقش مؤثری ایفا کرده و در ترویج مسئله برابری، مبارزه با خشونت نسبت به زنان، ضرورت مشارکت آنان در همه عرصه‌های فعالیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و... سنت شکنی کرد و نمونه و آلترناتیوی دیگری در رابطه با مشارکت زنان در جنبش انقلابی کردستان ارائه داد. ادامه سیاست‌های کومه‌له در عرصه برابری را، به شیوه‌ای پس از چهار دهه در مشارکت وسیع زنان در روزآوا شاهد هستیم. کومه‌له به مثابه یک سازمان جوان و نوپا، با افکار ترقی خواهانه و انقلابی توانست ظرف مدت کوتاهی پس از



علنی شدن، طیف وسیعی از توده‌های خواهان برابری و رهایی را بخود جذب کرد و افق مبارزاتی دیگری پیش پای نسل جوان قرار داد. دختران و پسران جوان در سراسر کردستان به فعالیت‌های شوراها و جمعیت‌های دمکراتیک پیوستند و با کار انقلابی، موفق شدند طی مدتی کوتاه در کردستان، کومه‌له را به تشکیلاتی وسیع و قدرتمند تبدیل کنند. تشکیل اتحادیه دهقانان، جمعیت‌های دمکراتیک، شورای زنان، شورای معلمان، شوراهای محلات، شوراهای دانش آموزان و... نمونه‌هایی از کار سازمان یافته و تأثیرات کومه‌له در کردستان است.

در مدتی که کومه‌له در شهرها مقر و شوراها و جمعیت‌ها علنی فعالیت داشت و بعد از آن، هنگامیکه حکومت این آزادی و دمکراسی را تاب نیاورد و به کردستان حمله کرد و پیشمرگان ناچار از شهرها به روستاها رفتند، سال‌ها در روستاها از آموزش و پرورش گرفته تا آموزش بهداشت و تغذیه، آموزش سیاسی، تقسیم زمین بین دهقانان، رسیدگی به دعاوی و شکایات

خواست رهایی و برابری هدف و انگیزه زندگی همه انسان‌هاست. ستم طبقاتی یکی از انواع ستم‌هاست و اگر ملتی تحت ستم هم باشد این ستم دوگانه می‌شود. اما زنان بدلیل زن بودن، ستم دیگری را در جامعه سرمایه/دین و مردسالار تحمل می‌کنند که برای آنان ستم را در مواردی سه‌گانه می‌کند.

جامعه کردستان، در سال‌های اول بعد از قیام ۵۷ علیرغم حمله رژیم به کردستان، جنگ ایران و عراق، فقر و ناامنی و... در عرصه رشد آگاهی توده‌های مردم بسیار پیش رفت. وجود افکار و عملکرد رادیکال کومه‌له در شناساندن ریشه نابرابری‌ها و بالا بردن سطح توقعات مردم از خودشان و حاکمیت، کیفیت دیگری به جامعه کردستان داد و این حضور کومه‌له

بود که تلاش کرد خواست و مطالبات دمکراتیک مردم را با توجه به انقلابی که در حال شکل گرفتن بود تعمیق نماید. آموزش و تبلیغات سیاسی در جوله و تحرکات زنان و مردان پیشمرگ، مطالعه جزوه‌ها و خبرنگارها و آثار مارکسیستی، تلاش در افشای مذهب و سرمایه‌داری و... حضور زنان پیشمرگ در

کنار مردان در عرصه سیاسی و نظامی، توانست چهره دیگری از زن را به جامعه کردستان بشناساند.

کومه‌له نشان داد که زن انقلابی می‌تواند با مرد در همه عرصه‌ها برابری کند و توانائی‌های خود را به نمایش بگذارد و عملاً به این واقعیت تحقق بخشد که «هیچ انقلابی بدون شرکت زنان به پیروزی نخواهد رسید». کومه‌له همزمان علیه ستم طبقاتی، جنسیتی و ملی بپا خاست و توانست جنبش کردستان را به یک جنبش انقلابی مبدل کند.

هر چند جامعه کردستان هم سنتی و مردسالار بود و زنان از آزادی‌های بسیار محدودی برخوردار بودند، اما در رفراوندوم جمهوری اسلامی در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، زنان در کنار مردان نه قاطع خود را به حاکمیت دادند. حزب دمکرات کردستان که از سال ۱۳۲۴ در کردستان فعالیت داشت، اگرچه یک جریان ناسیونال لیبرال بود و قاعدتاً می‌بایست به امر مشارکت زنان در تحولات اجتماعی توجه می‌کرد، اما

اختر کمانگر



پیامی کوتاه به مناسبت فرارسیدن ۲۶ بهمن روز گرامیداشت کومه‌له

کومه‌له به همان نسبت که به خواست‌ها و نیاز این جنبش جواب مثبت داد و به استقبال جوابگویی به این نیازها رفت، از آن نیرو گرفت و منافع این مبارزات را بر منافع گروهی و سازمانی ترجیح داد. در همه عرصه‌های مبارزاتی جامعه دخیل بود. همین دخالت‌گری در قبال معضلات جامعه، کومه‌له را در ارتباطی وسیع با توده‌های مردم قرار داد. همین ارتباط گسترده با جامعه بود که جامعه خود را متعلق به این جریان و این جریان خود را متعلق به جامعه بدانند.

خصوصیت ویژه کومه‌له توده‌ای عمل کردن در مقیاس اجتماعی بود. فعال نمودن توده زنان مبارز بر علیه رژیم زن ستیز و مردسالاری، رهبری کردن مبارزه برای رفع ستم ملی و کسب حق تعیین سرنوشت، برجسته دیدن مبارزه کارگری و توده‌ای در کنار مبارزه مسلحانه، استراتژی نوینی را فراروی جنبش انقلابی کردستان گشود.

از این روی در آستانه گرامیداشت روز کومه‌له، یادآوری این انتظار امری طبیعی است که آنچه که کومه‌له به چنین امید و تکیه‌گاه مبارزات کارگران و زحمتکشان تبدیل کرد این خصوصیات بود و نه تنها اسم و قالبی که نخواهد خود را به خصائل اصلی کومه‌له متعهد بدانند. کومه‌له در ادامه فعالیت‌هایش باید بیش از هر زمانی موجودیت و ادامه فعالیت خود را به خصایلی که هزاران انسان کمونیست و فداکار جانشان را در راه آرمان‌هایش فدا کردند باید وفادار بماند و گرنه سرنوشتی بهتری از نیروهایی که جهت دیگری را برای فعالیتشان برگزیدند نخواهد داشت.

گرامی باد روز کومه‌له



در آستانه گرامیداشت روز کومه‌له بجاست که به خصوصیتی که این نیرو را در جنبش انقلابی کردستان به تکیه‌گاه کارگران و زحمتکشان تبدیل کرد تاکید شود. اهمیت این مسئله از دو جنبه مهم است. اول اینکه گرامیداشت روز کومه‌له، نه صرفاً گرامیداشت از یک تشکیلات معین، بلکه یادآوری نقش و حضور کارگران و تهیدستان جامعه کردستان در قالب یک تشکیلات معین است و دوما یادآوری سنت‌ها و سیاست‌هایی است که این جریان را از احزاب و سنت‌های ناسیونالیستی در جنبش ملی کردستان متمایز کرد.

کومه‌له به عنوان یک سازمان چپ و کمونیست نقش مهمی در رهبری مبارزات مردم علیه رژیم جمهوری اسلامی داشت. مبارزات کومه‌له از سال ۵۷ به بعد، به یک مبارزه سیاسی و طبقاتی زنده در کردستان گره خورد، به گونه‌ای که تاریخ کومه‌له را نمی‌توان از تاریخ این مبارزه واقعی مردم محروم این جامعه جدا کرد. کومه‌له در متن یک جنبش طبقاتی و انقلابی رشد کرد، آبدیده شد و تغییر و تحولات این جامعه از یک طرف و همراهی رادیکال این تشکیلات به نیازهای این تغییرات و مبارزه طبقاتی سرنوشت‌تاکتونی کومه‌له را رقم زد.

این نگرش، سنت و استراتژی مبارزاتی کومه‌له در ایجاد پیوندی گسترده با کارگران و مردم زحمتکش، حرکت از منافع عمومی و مشترک آنها و اتکا به مکانیسم‌های جمعی و شورایی در پیشبرد مبارزه، این تشکیلات را به یک جریان تاثیرگذار در جامعه کردستان تبدیل کرد.

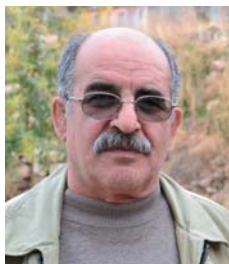
کومه‌له در طی فعالیت‌های مبارزاتی‌اش با سازماندهی مقاومت توده‌ای در کردستان در مقابل یورش‌های وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی، سازماندهی تشکلات توده‌ای، ایجاد شوراهای و ارگان‌های حاکمیت مردمی و دخالت‌گری و نقش فعال در هدایت مبارزات آنها، و توجه به نقش زنان، سنت‌های نوینی را در جامعه کردستان رواج داد و به یک جنبش توده‌ای و اجتماعی گره خورد و سرنوشتش با زندگی، مبارزه و سرنوشت کارگران و مردم تحت ستم و رنج‌دیده تنیده شد.

سنت و مذهب و سرمایه‌داری توهم ندارند و فریب‌ریکاری و دروغ‌های حاکمیت را نمی‌خورند. این امر باعث شده که سیاست‌های جمهوری اسلامی در کردستان شکست خورده و هیچگاه نتوانست در این جامعه پایگاه اجتماعی کسب کند.

مشارکت فعالین زنان کومه‌له و حزب کمونیست ایران در عرصه جنبش زنان در سطح منطقه‌ای، سراسری و جهانی هم با افق‌رهایی زنان در فعالیت‌های گوناگون از جمله: برپایی سمینارها و نشست‌های زنان چپ و کمونیست، مشارکت فعال در کارزار زنان از سال ۲۰۰۵ تاکنون، شرکت در کنفرانس‌های زنان ایرانی، کرد و سایر ملیت‌ها در کشورهای اروپایی، ده سال فعالیت رادیو صدای زنان به زبان کردی، تهیه برنامه‌های مختلف در تلویزیون کومه‌له و حزب کمونیست ایران، سخنرانی به زبان‌های مختلف در مناسبت‌های گوناگون از جمله ۸ مارس‌ها، نوشتن و درج مقالات در روزنامه‌های کشورهای محل زیست، و... افشاگر ستم و تبعیض بر زنان در ایران تحت حاکمیت قوانین دین، شریعت و سرمایه، علیه مالکیت مرد بر زن، خشونت بر زن، ازدواج کودکان، قتل "ناموسی"، و... نمونه‌هایی از همبستگی مبارزاتی زنان انقلابی در سطح جهانی است. این فعالیت‌ها توانسته‌اند تصویر دیگری از زن کرد را به نمایش بگذارند و در بسیاری موارد راهنما، راهگشا و افق‌دهنده به مبارزات زنان سایر کشورها باشند. بسیاری از زنانی که روزی در صف کومه‌له بودند، در کشورهای اروپایی سرشناس و جزو پیشقراولان جنبش‌های زن، مبارزه می‌کنند و این برای کومه‌له جای افتخار است. بسیاری از دختران و زنان در داخل ایران علیرغم سرکوب و اختناق مبارزه می‌کنند و در ترویج اهداف کومه‌له در جمع‌های کوچک و مخفی در حال فعالیت هستند و در اردوگاه کومه‌له هرچند وقت یکبار گروه دیگری از این زنان و دختران به صفوف پیشمرگان و تشکیلات علنی می‌پیوندند.

متأسفانه طی این ۴۲ سال فعالیت علنی، بیش از صد و اندی تن از رفقای زن را در زندان‌های رژیم و یا عرصه جنگ سرکوبگرانه و نابرابر رژیم در حمله به جنبش انقلابی کردستان از دست داده‌ایم. با گرامیداشت یاد آنان و سایر جانباختگان سوسیالیست و کمونیست، در سالروز علنی شدن کومه‌له با آنان تجدید پیمان می‌کنیم که ادامه‌دهنده راهشان باشیم و یادشان را گرامی بداریم.

رشید رزاقی



شوراها، سنگر کومه له در مواجهه با رویدادهای انقلاب!

اعتراض به تعویق سه ماهه حقوق پرداخت نشده در اواخر اسفند ۵۷ اشاره کرد. اعضای شوراها، مختلف و جمع های کارگری در حمایت و پشتیبانی از اعتصابیون هر روزه در سالن اجتماعات شهرداری حضور می یافتند و پیرامون به موفقیت رساندن اعتصاب مزبور به همفکری، بحث و تبادل نظر می پرداختند. این اعتصاب که توسط رفیق جانباخته اسماعیل علی پناه- از امداد رسانان به مردم ترکمن صحرا- رهبری و هدایت میشد، پس از ۵ روز به پیروزی رسید. کارگران اعتصابی ضمن تحمیل خواست های خود به کمیته ها و اداره کار کنترل و اداره شهرداری را بدست گرفتند و مسئولان فاسد را اخراج نمودند.

طی روزهای اعتصاب، بدون وقفه از تربیون سالن، سخنرانی هایی در خصوص پیشبرد مبارزه با سرمایه دارها و ارتقاء آگاهی و اتحاد طبقاتی کارگران بسمع حاضران می رسید. و سرشناخته های کارگری را نهیب میزد تا تلاش خود را مصروف سازمانیابی کارگران در تشکل های صنفی کنند. برآمد رایزنی ها در این اعتصاب: تأسیس خانه کارگر را در پی داشت. در ساختمان خانه کارگر- واقع در محله چهارباغ، شورای اصناف مختلف مستقر و شورای فراگیرنده، مرکب از نمایندگان آنها، مشکلات و مسایل کارگری را حل و فصل میکرد. شورای مزبور ضمن بازدید و نظارت بر مراکز کاری و شرکت های گوناگون، حتی کارفرمایان خاطی و متخلف را نیز مورد مواخذه قرار میداد، و به نفع کارگر شاکای رأی صادر می نمود. حمله رژیم در ۲۸ مرداد ۵۸ به کردستان، به این مرکز جوشان کارگری مجال نداد تا اهدافش را به سر منزل مقصود برساند، اما در همین مدت کوتاه و در چند ماه بعد از آن که نیروی پیشمرگ در شهرها مجددا حضور یافتند، خانه مذکور موفق شد قدم های موثری در جهت کاهش ساعات کار به ۸ ساعت، افزایش دستمزدها، برقراری بیمه اجتماعی و بیمه درمانی و برخی امکانات رفاهی و ایمن سازی محل کار و وصول حقوق های معوقه را به اجرا بگذارد. ایجاد صندوق کارگری برای وام دهی به کارگران و حتی کمک مالی به کارگران نیازمند، ایجاد تعاونی مصرف و تأسیس دفتر استخدام

اعلامیه بی نام و نشان- تحت عنوان "هم میهنان مبارز" از او بروز داده نشده بود. و بر خلاف موجودیت سازمانی، فاقد برنامه و سیاست مدون و اعلام شده در قبال مسایل طبقاتی و ستم ملی در کردستان بود! اما فعالان سیاسی متشکل در شوراها، به اعتبار اعتماد رفیقانه و صداقت کمونیستی به سازمان تازه شناخته شده ای که در زمستان ۵۷ تحت عنوان "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان" نامگذاری شده بود پایبندی و هم سویی نشان دادند.

بدینوسیله آنها پایه مادی و اجتماعی کومه له را مهیا و این سازمان را به حلقه ای هم آوا با نیازهای سیاسی و اجتماعی، به بخش محروم جامعه کردستان مرتبط ساختند. خوشبختانه کومه له این موقعیت را شناخت و به خوبی آنرا هضم کرد. بهمین جهت با پراتیک همساز و انطباق خویش با خواست و مطالبات توده های زحمتکش و ستمدیده، به سیمایی رادیکال و مبارز و برخوردار از نیروی اجتماعی وسیع مبدل گردید.

شوراها هرچند به خاطر کوتاهی عمر ناشی از یورش رژیم به کردستان از صرف کلیت پتانسیل خویش، از بکارگیری مقدرات و امکانات و ابتکار برای افزایش توانایی خود در جهت ایجاد تغییرات متنوع و تحولات اصولی و ضروری سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بازماند، اما در شکل ابزار اجتماعی نیرومند و به مثابه نیروی قدرت بخش به کومه له در رویا رویی با عوامل ارتجاع و متعرض به دستاوردهای انقلاب نقش پر بهایی را ایفا نمود. در واقع کومه له در آن شرایط اولیه پس از انقلاب، با تعدادی اعضای انگشت شما، به نیرویی اجتماعی آرمان گرا و کمونیست فعال در شورا متکی شد که با پشتوانه آن توانست در برابر دشمنان هار و مجهز به همه امکانات مادی، تبلیغی و تسلیحاتی تاب بیاورد و قوام خویش را تداوم بخشد.

ابتکارات و نقش شوراها، سنندج منحصر بر رابطه صرف با احزاب و یا دیدبانی از خلاف کاری و کم توجهی کمیته های حکومتی نبود. در رابطه با حمایت از مطالبات توده های اجتماعی بویژه کارگران و تشویق صنوف مختلف به ایجاد تشکل های صنفی حساسیت چشمگیری نشان داد. در تأیید این خصوصیت می توان به اعتصاب کارگران شهرداری سنندج در



در مقطع زمانی انقلاب بهمن ماه ۵۷ در ایران، اتحاد جماهیر شوروی را کشور شوراها می نامیدند و سنندج به عنوان "شهر شوراها"، شهره ایران شد بود. در همین شهر بود: که پس از واقعه نوروزخونین ۵۸، اولین شورای دموکراتیک در ایران برای اداره شهر به شورای انقلاب تحمیل گردید. پیش از این، و در روزهای اولیه انقلاب شوراها، محلی و صنفی عرض وجود کرده بودند و چون خارمغیلان، به چشم کمیته چی های به اصطلاح انقلاب؛ متشکل از کمیته سنی ها به رهبری مفتی زاده و شیعه رقیب به رهبری صفدری فرو رفته بود. این کمیته ها اگرچه قدرت را در کف ید داشتند، اما در زیر ضرب دموکراسی خواهی و حق طلبی شوراها، موجود، نمی توانستند بلامنازع حکم برانند و عملکرد و یا واکنش شان نسبت به وقایع و مسایل پیش رو از میدان دید شوراها پوشیده نگه دارند.

شوراها، همچون شورای محلات، شوراها، کارگران مراکز تولیدی و کارگاه های ساختمانی، و نیز شورای دانش آموزان، معلمان و کارمندان که طی پروسه اعتلای شرایط انقلابی روئیده بودند؛ و چگونگی بر خورد به رفع ستمکشی و نابرابری و تبعیض را بازتاب میداند با سازمان های سیاسی چپ و کمونیست- چه محلی و یا سراسری- رابطه ارگانیک، و تأثیر گذاری متقابل را برقرار کرده بودند. اما در این میان، رابطه با کومه له به لحاظ وجود کادرهای آن در رأس و بدنه شوراها از ویژگی خاص برخوردار بود. اگرچه کومه له به تازگی موجودیت علنی خویش را اعلام کرده بود و در دوران ده ساله فعالیت زیرزمینی جز یکی - دو

شورش مولانی



نگاهی متفاوت به روز کومه‌له

بود وقتی پیشمرگان زن مرد کومه‌له همدوش با هم مبارزه می‌کردند، "چقدر محترم و مهربان بودند"، "چقدر رفتارشان با بچه‌ها خوب بود"، "بدون اجازه هیچ کاری نمی‌کردند" و ...

برای مردم اخلاق و رفتار پیشمرگان کومه‌له معرفشان بود. این ویژگی‌های نیروی تشکیلات علنی را از این جهت یادآوری کردم چونکه من بعنوان کسی که سال‌ها جزو تشکیلات داخل کومه‌له بودم، اثرات عملکرد تشکیلات علنی بر تشکیلات مخفی را به عینه مشاهده می‌کردم. پیوندی که کومه‌له بصورت علنی با سیاستی نو و انقلابی و پیشرو با مردم و توده‌های تهیدست و زحمتکش جامعه داشت الگو بود، ناگسستی و ماندگار است و حفظ آن برای کسانی که علناً در شهرهای کردستان نمی‌توانند بصورت علنی فعالیت کنند، همواره امیدبخش بوده است.

سرخ‌سیاست‌های رادیکال کومه‌له امیدبخش نیروهایش در تشکیلات شهرها و موجبات ترس و نگرانی نیروهای دشمن بوده است. حساسیت رژیم نسبت به پلاکاردهای سرخی که نماد کومه‌له در گرامیداشت‌ها و تجمعاتی که در شرایط امنیتی شهرها برگزار شده، نمونه‌ای از این مبارزات ارزشمند فعالین داخل شهرهاست، که رژیم علیرغم تهدید و ایجاد جو ارباب و ترس، هیچگاه نتوانست از این حرکت‌های پرمخاطره و انقلابی فعالین کومه‌له در شهرها جلوگیری کند.

به همه این سنت‌ها و مبارزات ارزشمند فعالین کومه‌له در تشکیلات علنی و مخفی کومه‌له، می‌توان مبارزه‌ای سیاسی فاطح و انقلابی را در مقابل با هرگونه خرافه پرستی و ارتجاع محلی و منطقه‌ای و ... را افزود که به ارتقا آگاهی سیاسی و طبقاتی جامعه کردستان کمک کرد و بجای رشد ارتجاع و ناسیونالیسمی تنگ نظرانه، نگرشی سوسیالیستی را در جامعه کردستان رشد داد.

یادآوری این خصوصیات و ویژگی‌ها اکنون نه تنها کمرنگ نشده‌اند، بلکه بیش از هر زمانی باید الگوی همه فعالین کومه‌له در کجایی که هستند باشد. گرامیداشت روز کومه‌له یک نوستالوژی صرف و تعریف و تمجید از خود نیست، بلکه وظیفه است. حفظ سنت‌هایی است که من به موارد بسیار کوچکی از آن اشاره کردم و مهمتر از همه دفاع از سیاست‌هایی است که این نیرو را به تکیه‌گاهی برای مردم کارگر و زحمت‌کش و ستم‌دیده کردستان تبدیل کرد. حفظ و تقویت استراتژی سوسیالیستی کومه‌له ارج و گرامیداشت هزاران جانباخته است که با شعار "زنده باد کومه‌له، زنده باد حزب کمونیست ایران" جان شیرینشان را فدا کردند.

سخنم را به یاد تمام جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و همه عزیزانی که در صفوف کومه‌له و حزب کمونیست ایران جان باخته‌اند و درود و احترام به تمام خانواده‌های جانباخته صفوف تشکیلات آغار می‌کنم.

ما معمولاً بمناسبت گرامیداشت روز کومه‌له، از فداکاری و از خودگذشتگی تشکیلات علنی، پیشمرگان کومه‌له و تلاش خستگی‌ناپذیری کادرها و اعضای آن که تا به امروز تشکیلات را با تمام ناملایمت‌هایی که سر راه مبارزاتش بوده سر پا نگه داشته‌اند، یاد می‌کنیم. شاید امروز لازم باشد هرچند با محدودیت‌هایی از اساسی‌ترین بخش تشکیلات و اعضای که در تشکیلات شهرهای کردستان در مقابل استبداد و سرکوب رژیم اسلامی فعالیت می‌کنند و ایده‌ها آرمان‌های سرخ سوسیالیستی را ترویج و توسعه می‌دهند یاد کنیم و فعالیت و تلاش آنها را ارج نهیم.

من در نوجوانی در روستای "سیسیر" از توابع شهر "سردست" با کومه‌له و سیاست‌هایش همراه شدم. روستای "سیسیر" جزو اولین روستاهایی بوده که مکان فعالیت کادرها و پیشمرگان کومه‌له در آن شروع شد و مقر کومه‌له در آنجا مستقر شد. از این روی آشنا شدن با خط و منش فکری کومه‌له برای من سهل‌تر بود. این مسئله را از این جهت عنوان کردم تا بتوانم به این بهانه از تاثیرات و آثار بجای مانده در مکان‌هایی که محل فعالیت کادرها، اعضا و یا هواداران کومه‌له بوده است سخن بگویم.

به جرات می‌توان گفت سیاست‌های کومه‌له در شهرها و روستاهایی که محل کار و فعالیت پیشمرگان کومه‌له و تشکیلات‌های روستایی و شهری کومه‌له آنقدر تاثیر گذار بوده که هنوز بعد از چهار دهه می‌توان اثرات آن را بر فرهنگ، بر گفتار و رفتار مردمان آن مناطق دید. رفتاری انسانی در مناسبات خانوادگی و اجتماعی، دیدی برابری طلبانه در رابط با تساوی حقوق زن و مرد و این تغییرات بدون تردید محصول افکار پیشرو و سنت و فرهنگی است که کومه‌له در این جوامع از خود بجای گذاشته است.

هنوز هم در هر گوشه‌ای از این دیار حتی در دورافتاده‌ترین روستاها و در هر محفل و نشست که حرفی از آزادی، برابری، حق طلبی و عدالتخواهی و ... زده شود، اولین سئوالی و یا اولین عکس‌العملی که با آن مواجه می‌شوی این است، که شما چقدر شبیه پیشمرگان کومه‌له حرف می‌زنی! و همین اعتماد مخاطب را به همراه داشته و از سنت‌های بجا گذاشته کومه‌له سخن به میان می‌آید که "چه دورانی

کارگران فصلی از دیگر دستاوردهای این نهاد نو نهال کارگری بود.

ماهیت شوراها در کردستان که با نام کومه‌له در قالب سازمان کردستان حزب کمونیست ایران تداعی می‌شود درسها و آزمون‌های فراوانی را در حافظه تاریخی خود محفوظ دارد، و تاریخ شفاهی آن بیش و بیشتر از مکتوب آنست. با سپری شدن بیش از ۴۰ سال از آن سال‌های پر تکاپو برای تغییر اجتماعی و ساختن دورانی آینده ساز، هم اکنون نسل جدید-تیزبین و آگاه تراز تاریخ سازان گذشته پا به عرصه جدال و کشمکش‌های اجتماعی طبقاتی گذاشته‌اند. این رزمندگان: که چشم انداز بهتری از آینده بشری در مقابل خود می‌بینند! گریزی ندارند که باید نبردکنان حقوق غصب شده را از حلقوم دشمنان طبقاتی، یعنی سرمایه دار طفیلی صفت بیرون کشند. با هر میزان و معیار درک و شناخت از موقعیت خود داشته باشند، بازهم میتوان پاسخ پرسش‌ها را در گذشته جستجو کنند. تا آن دم، که انقلاب آنها را فرا میخواند، سواي پیش برد استراتژی کومه‌له باید هوشیار بود که چگونه به شوراها بر ساخته از شرایط کار و محل زیست خویش نگرست. مورخان مارکسیست، ابتکار و ایفای نقش شورا‌های کارگری روسیه در به ثمر رساندن انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ را محصل تجربه این طبقه در انقلاب ۱۹۰۵ آن کشور می‌دانند. کارگران کردستان در همراهی و هم‌سرنوشتی با طبقه کارگر ایران خاطره با ارزشی از کار آبی و کاربرد شورا‌های سال‌های ۵۷ - ۵۸ دارند. لذا برای تمهید و توانا سازی خود در صحنه انقلاب آتی، شورا‌های محل کار و زیست را به چنان ظرفی از تحرک و ثقل خویش مبدل کنیم که سازش احزاب برای جایگزینی پارلمان و مبادله و تصاحب قدرت ما قابل وهم و تصور نباشد.

خاطره ای از نبرد پیشمرگان کومه له

احمد عزیز پور



"مرکز پزشکی کومه له" چه آن زمان که شهرهای کردستان آزاد و تحت حمایت نیروهای پیشمرگ بود و چه زمانی که در روستای های کردستان و نوار مرزی حضور داشت، خدمات ارزنده ای به مردم منطقه و به پیشمرگ های زخمی و اسیران در جنگ بعمل آورد، که شرح آن در این مجال مقدور نیست، ولی بدون تردید خاطرات رفقای این "مرکز" که یکی از ستون های اجتماعی کردن کومه له بود، از بارزش ترین افتخارات کومه له می باشد. این "مرکز" با کمترین امکانات پزشکی و در سخت ترین شرایط، جان صدها انسان را نجات داد ولی مواردی هم بوده که به علت محدودیت ها و کمبود امکانات شاهد صحنه های تلخ و تراژیک هم بوده است. خاطره زیر یکی از این تلخی هاست.

چند روزی بود که تمرکز منطقه موکریان که مشتمل بر چند گردان رزمی بود برای رفع خستگی راه پیمایی های طولانی و درگیری پی در پی رفقای پیشمرگ با نیروهای رژیم و هم چنین حزب دموکرات در روستای "حوتاش" ساکن شده بودیم و بمانند دفعات متعدد پیشین، اهالی روستا با گشاده رویی، از خود گذشتگی و صمیمیت ما را پذیرفتند.

ما به عنوان "تیم پزشکی کومه له" که به همراه تمرکز پیشمرگان بودیم، در این مدت طبق معمول تا آنجا که در توان داشتیم، سعی کردیم به مسائل و مشکلات پزشکی مردم روستا بپردازیم، در خصوص بیماری های آنها مشورت کنیم و در حد مقدور به معالجه بیماری آنها اقدام کنیم و یا از اگر از امکان ما خارج بود، به آنها توصیه کنیم که برای تشخیص و معالجه بیماری هایشان که احتیاج به امکانات آزمایشگاهی، تکنیکی و تخصصی بیشتر داشت که در دسترس ما نبود، به شهر بروند.

"حوتاش" روستایی نسبتاً بزرگی بود و تعداد بیماران بسیار، به همین دلیل در مدت اقامت ما در آنجا به منازل متعددی برای معاینه بیماران سر زدیم. یکی از این بیماران، پسر بچه ای ۵ - ۶ ساله بود که از یکی دو روز قبل از ورود ما به آنجا بیمار شده بود. علت و عامل بیماری ایشان بر خانواده ی این کودک نا شناخته بود. در ابتدا

گرفتار استفراغ شدید شده بود و بتدریج کودک کاملاً از رمق افتاده بود و توان سر پا ایستادن، راه رفتن و حتی نشستن را از دست داده بود. عمویش با اندوه از اینکه پسر بچه ای سالم و سرحال بوده است، سخن می گفت و از چنین تغییر ناگهانی اظهار تعجب می کرد، بویژه اینکه معلوم نبود که چرا چنین شده است. با کودکی بشدت لاغر و تحلیل رفته، با لبان خشک و چشمان گود افتاده و بی فروغ و پوستی نرم و خمیری که حکایت از کاهش شدید آب بدنش داشت روبرو بودیم. مردمک هایش بشدت تنگ شده بودند و ضربان قلبش علیرغم بی آبی شدید بدن، نسبت به سن کودک کاهش فاحش نشان می داد. علائم

بیمار حکایت از مسمومیت ایشان به احتمال زیاد به سموم دفع آفات یا ترکیبات مشابه داشت. با اینکه ما نیز نمی توانستیم

دلیل قطعی بیماری او را تشخیص دهیم، به درمان علامتی او پرداختیم. کمبود آب بدنش را با وصل کردن سرم جبران کردیم و نیز اندازه ی مردمک ها و ضربان قلب را با تزریق درمان به حالت عادی باز گردانیدیم. بهبودی های موقت در وضع او ایجاد شد، اما بسیار زود علائم اولیه دوباره عودت کرد. با والدین بیمار به گفتگو نشستیم و پیشنهاد کردیم، کودک را برای معالجه به شهر ببرند. توصیه ما را نپذیرفتند و متأسفانه پس از دو روز که مدام یک یا دو نفر از ما بر بالینش بودیم، آن کودک نازنین را در میان غم و اندوه عمیق خانواده ایشان، اهالی روستا و پیشمرگان، علیرغم تلاش مداوم رفقای پزشککار و من از دست دادیم.

صبح روز بعد از فوت دلخراش این کودک نازنین، یعنی ۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۵، در حالیکه تا طلوع آفتاب فاصله داشتیم، از خواب بیدار شدیم و مسئولین نظامی دستور دادند که هر گروهی تحت فرماندهی مسئول واحد خود، روستا را ترک کرده و سعی کند خود را به ارتفاعات کوه نسبتاً بلندی که در ضلع شرقی ده قرار داشت برساند. ما هم همراه تعدادی از پیشمرگان، از جوی آبی که آب کوه های دور و بر را در روستا جاری می ساخت عبور کردیم

و به آرامی شروع به بالا رفتن از کوه کردیم. می دانستیم که درگیری دیگری با نیروهای نظامی رژیم را در پیش داریم، اما در ابتدا آنرا جدی نگرفتیم و به این دلیل بود که در میانه راه، در حالیکه فاصله زیادی تا قله داشتیم، تعدادی از رفقا به افروختن آتش پرداختند، اما بسیار زود مسئولین واحد دستور گرفتند که آتش را خاموش کرده و به راهمان با سرعت بیشتری ادامه دهیم. هوا کاملاً روشن شده بود، نیروهای رژیم توپ و خمپاره باران منطقه را آغاز کرده بودند. برای پیشگیری از تلفات پراکنده شدیم و هر چند نفر در مسیری برای دستیابی به ارتفاعات پیش رفتیم. اکنون درگیری با سلاح

سبک و در فاصله نزدیک تر با نیروهای رژیم شروع شده بود و مدام بر شدت آن افزوده می شد. رفقای ما ارتفاع بلندترین کوه و نقاط کلیدی را تسخیر کرده و در آنجا مستقر شده بودند و در جبهه



های دیگر نیز با نیروهای بسیار زیاد رژیم در حال نبرد بودند. کم کم اکثر همراهان ما توانستند خودشان را به بالای کوه رسانده و به رفقای دیگر ملحق شوند، این در حالی بود که از جانب نیروهای رژیم به شدت به طرف ما تیر اندازی می شد. در نهایت من همراه "فایق خضری" که مسئول مخابرات بود، تلاشمان برای رسیدن به قله کوه بی نتیجه ماند و ناچار شدیم چند ده متری برگردیم و در حالیکه دیگر تیر اندازی به طرف ما قطع شده بود در نقطه ای نسبتاً هموار و بدون حفاظ بنشینیم. تمام روز را تا پایان درگیری در آن نقطه ماندیم و سعی داشتیم تا امکان دارد حرکت نکنیم، تا آماج تیر

اندازی های نیروهای رژیم واقع نشویم، ما هیچ امکانی برای شرکت در درگیری به دلیل موقعیتی که در آن گرفتار شده بودیم، نداشتیم. بعد از آنکه اکثر رفقای پیشمرگ روستا را ترک کرده بودند، فرمانده گردان ۲۴ مهاباد "محمد امین جسیمی" (سید مینه)، فرمانده رزمنده و فداکار کومه له برای اینکه مطمئن شود، هیچ رفیقی در



لفمان گله داری



"آموزشگاه سیاسی و نظامی کومه له"

مناسبت روز کومه له

تغییرات زیربنایی و روبنایی در هر آنچه در به بند کشیدن نیروی کار و آزادی انسان نقش ایفا میکند می باشد و این میسر نمی گردد بجز با اتحاد و سازماندهی و مبارزه، طبقاتی در تمامی عرصه ها زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ما. بر اثر فداکاری و رزمندگی های صادقانه و پر مسئولیت و دلسوزانه کمونیست ها در کردستان، اعتماد به نیروی پیشمرگ کومه له در میان مردم تهدیدست جامعه جا باز کرده است و ما بارها و بارها شاهد بودیم که پدران و مادرانی همراه با فرزندان شان، بعد از گذراندن خطرات پیش رو و عبور از نوار مرزی، به آموزشگاه سیاسی - نظامی کومه له آمده و بعد از اطمینان ورود فرزندان شان به دوره آموزشی به ایران باز گشته اند. شاهد بوده ایم مادران و پدرانی، اگر بنا به اصول و مقررات آموزشی، گاه فرزندان شان تجدید دوره (یعنی ملزم به از سر گذراندن دوره ای دیگر در آموزشگاه ...) می گردیدند، با اعتراض و توضیح خواهی آنها روبرو می شدیم..

در این آموزشگاه متقاضیان جدا از درس آموزشی، با فراگیری زندگی جمعی و تقسیم کارهای مربوطه و روحیه مشارکت و همکاری در پیشبرد امور زندگی جمعی روابط و مناسباتی رفیقانه را میان خود گسترش می دهند.

از این روی گزاره نیست که اذغان داشت آموزشگاه نیروی پیشمرگ کومه له یکی از دستاوردهای کومه له و مدرسه ای موثر برای آموزش نسلی نو از انسان های انقلابی و همچنین مدرسه ای است که آموزه های آن بسیار فراتر از نیروی تشکیلاتی کومه له و حزب، به درون مبارزات اجتماعی و طبقاتی می رود.

روز کومه له به تمامی رفقای که در تمامی عرصه های مبارزه، در زندان و شکنجه گاه های رژیم اسلامی، فعالین داخل کشور، رفقای فعال در عرصه تشکیلات علنی حزب در کردستان و تمامی رفقا در هر مکان جغرافیای در این جهان بسر میبرند، گرامی و پر ارج باد.



به مناسبت سالروز علنی شدن فعالیت جریانی که در دل سال های استبداد سیاه پادشاهی شکل گرفت و در ۲۶ بهمن ماه ۱۳۵۷ در اوج روزهای قیام، با جانبختن محمد حسین کریمی تا به امروز به روز کومه له، شناخته شده است، صمیمانه ترین و گرمترین دروهایم را به خانواده های عزیز و گرامی هزاران رفیق جانباخته در صفوف تشکیلات، که رنج و سنگینی از دست دادن عزیز و یا عزیزانی از خانواده را تحمل نموده اند، تقدیم می کنم و سر تعظیم و احترام در مقابلشان فرود آورم.

به مناسبت روز کومه له به جا دیدم که یادی از نقش و جایگاه آموزشگاهی بکنم که در آموزش سیاسی و نظامی نسلی از انسان های مبارز و انقلابی نقش بسزایی داشت و من خود افتحاز این را داشته ام که سالها در آن کار و فعالیت تشکیلاتی ام را پیش ببرم.

"آموزشگاه سیاسی - نظامی پیشمرگان کومه له"، سازمان کردستان حزب کمونیست ایران یکی از عرصه ها و دست آوردهای با ارزش و تاثیر گذار جنبش نوین کمونیستی در ایران و جنبش انقلابی در کردستان است. این آموزشگاه مستقر در جغرافیای کردستان. که در درون خود داوطلبین ورود به آن را، آگاهی بخش است و سیاست ها و سنت های انقلابی و پیشرو را به آنها آموزش می دهد. این آموزشگاه که نسلی از معترضین به ظلم و بیداد نظم سرمایه در کردستان و دیگر نقاط ایران را در این چند دهه در دوره های سیاسی و نظامی آموزش داده توانسته است هزاران انسان مبارز را آموزش دهد که بخشی از آنها اگر چه در میان نیروی پیشمرگ باقی نماند اما آموزه ها و سنت های یاد گرفته از این آموزشگاه را به درون جامعه بردند و یا توانست بسیاری از اعضا و کادرهایی را که بعدها به ستون فقرات تشکیلات کومه له و حزب کمونیست ایران تبدیل شدند را آموزش دهد.

داوطلبین و شرکت کنندگان در دوره های آموزشی این مدرسه انقلابی، در پروسه ای آموزشی که شامل درس سیاسی با مبانی تاریخی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی سرمایه داری و راه برون رفت از وضع موجود و ضرورت و امکان سوسیالیسم، به شیوه علمی آشنا می گردند که در یک کلام جوهر اصلی این آموزش ها را میتوان چنین بیان نمود که تسلیم نظم وارونه سرمایه سرنوشت مختم انسانها نیست و جهانی دیگر ممکن است. گزینه ای سوسیالیستی ممکن و مقدر است و این مستلزم

روستا نمانده، به اکثر خانه ها سر می زد و بنابراین او همراه چند پیشمرگ دیگر آخرین افرادی بودند که روستا را ترک کردند. در این حال نیروهای رژیم به روستا و این رفقا نزدیک شده، بطوریکه رفقای ما صدای آنها را می شنیدند و نوع لباس های آنها را تشخیص می دادند. "سید مینه" به رفقای همراهش در حالیکه نبرد کنان از روستا دور می شدند هشدار می داد که مزدوران رژیم را که لباس کردی به تن داشتند با رفقای پیشمرگ اشتباه نگیرید. او در حالیکه همراه رفقای دیگر نبرد کنان می خواست از جوی آبی که به دلیل آب شدن برف ها بر عرض و عمق آن افزوده شده بود، عبور کند، مورد اصابت گلوله مزدوران رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی قرار گرفت. یکی از رفقای پرشکیار که همراه او بود بلافاصله خود را به او رساند و متوجه شد که گلوله ی به پیشانی او اصابت کرده و "محمد امین" در دم، جان عزیزش را در راه آرمان انقلابی خود، کارگران و زحمتکشانش و کومه له فدا کرد. "محمد امین" رفیقی بغایت متین، صمیمی و محبوب بود. او قبلاً عضو تشکیلات مخفی و فرمانده نظامی کومه له در شهر مهاباد و از چهره های محبوب مردم در این شهر بود.

هوا رو به تاریکی می رفت و دیگر نیروهای رژیم منطقه را ترک کرده بودند. با "فایق" به طرف محلی که نیروهای رژیم در طول روز در آنجا مستقر بودند، حرکت کردیم، جنازه سرباز یا پاسداری را در سنگرش دیدیم که نیروهای رژیم اسلحه و مهماتش را برده بودند، اما نتوانسته بودند جنازه اش را حمل نمایند. ساعتی بعد تعدادی از رفقا را که از کوه پائین می آمدند ملاقات کردیم و همراه آنها به روستایی که در آن نزدیکی، که همه رفقا در آنجا بودند، رفتیم. در آنجا پس از معاینه، و پانسمان چند زخمی، با تعهد به ادامه ی راه پر افتخار رفیق ارزنده و محبوبمان، "سید مینه" در ماتم از دست دادن او برای بازیابی انرژی و توان برای نبرد احتمالی فردا اکثر رفقا، غیر از نگهبانان سر بر بالین نهادیم.



دروغ پر شما گه سرچشمه ی امید و آرزو

پاینده باد وزمتان

این شعر تقدیم به شما برگزار کنندگان

اقتصاب موعود در گرهستان

ناهید وفائی

شهر همچون سواری غرقه در خون
در کنار فانوس بی نورش
افتاده بود بر کف میدان
دشمن تیر آخر را در قلبش خالی کرده بود
و داشت سر مست از پیروزی
میدان را ترک می کرد
اما در میان آن همه مهمه
از میان آینه ی امید
در کنار آبشار رزم
از پشت دیوارهای خفقان
تا کوره راههای فقر و اسارت
زره پوشانی می آمدند
آنها وارثان توفان های تند
وارثان جنگ های آشتی ناپذیر
وارثان آزادگی بودند.
به آنها خیره گشتم
دیدم پیکر زخمی شهر را برداشتند
دیدم زخم شهر را التیام بخشیدند
دیدم شهر را بوسیدند
دیدم فانوس شهر را روشن کردند
دیدم آماده ی نبرد شدند
و آنگاه با درخشش کینه در چشمانشان
دشمن را صدا کردند
و فریاد زدند:
«شهر ما زنده است
شهر ما هرگز نمی میرد!»

عباس سماکار

من کولبرم

شعر من گنجایش وصف ترا ندارد
هیچ حماسه ای بیان تو نیست
چنین است تراژدی انسان پس از هزارها سال زندگی
پس از قرنهای آرزوی دنیای بهتر
پس از همه فریادهائی که در گوش تاریخ پیچیده است

آیا سهم من این است

که برای لقمه ای نان این رنج را از کوره راه های سنگ
میان صخره های بلند

بر دوش بکشم

سهم من برای یک لقمه نان

آیا کولبری ست

تا خونم با گلوله های نابکار بریزد بر زمین سخت
آیا چنین است سرنوشت من از پی انقلاب عظیم اکتبر
پس تکلیف جانفشانی بشر چه می شود
باز هم باید فریاد بزیم آیا
باز هم جان

پیش پای استبداد این روزگار سلطه گر بیندازیم

نه

این سرنوشت تو نیست

حق تو نیست این چنین

بالای بلندت در خور این خمیدن نیست

دستت توانای گرفتن سلاح و سنگ است

تردید نکن

از همین است که

این درد بیرون از شعر

بیرون از قصه است

که خود

تو حکایتی بیش از شعر و قصه ای



JAHAN-E-EMROUZ

JE - P:O:Box 75026 50 26 Uppsala SWEDEN
Editor: **Halmat Ahmadian** , halmatean@hotmail.com

9 February 2021 NO: **445**

گرامی باد 26 بهمن روز کومه له

2021

مراسم روز کومه له در استکهلم

ساعت: ۱۸:۰۰ به وقت اروپای مرکزی و ۲۰:۳۰ به وقت ایران

مراسم گرامی داشت روز کومه له امسال به دلیل محدودیت های ناشی از کرونا به شکل دیجیتال و بصورت زنده از کانال پشرو پشرو peshrowcpiran برگزار می شود. ما همه اعضای مبارز دوستان کومه له و حتی اعضای کردستان و رفقای لشکرکشی را به شرکت در این مراسم دعوت میکنیم

تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران - استکهلم فوریه 2021

مکان: پخش زنده از طریق کانال

LEV Peshrow Cpiran

توییت: PeshrowCpiran

لینک: https://www.facebook.com/peshrowcpiran

اینستاگرام: https://www.instagram.com/peshrowcpiran

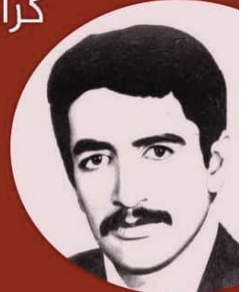
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری

رفراز باد حاکمیت شورایی در کردستان

کومه له

گرامی باد 26 بهمن روز کومه له

اطلاعیه برگزاری مراسم روز کومه له به اطلاع می رسانیم که مراسم روز کومه له در مقر مرکزی به دلیل شیوع اپیدمی کرونا، بطور آنلاین از تلویزیون کومه له و همزمان از شبکه های اجتماعی پخش می شود. برنامه های این مراسم عبارت خواهند بود از:



- پیام کمیته مرکزی کومه له به این مناسبت، از جانب رفیق ابراهیم علیزاده
- پخش پیامهای رسیده
- اجرای سرود و برنامه هنری

fb.com/cpirane
CPI ran

زمان: روز 26 بهمن، برابر با 14 فوریه، ساعت 5 بعد از ظهر به وقت تهران

کمیته برگزاری مراسم روز کومه له



کومه له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

گرامی داشت روز کومه له در استکهلم

سخنران: صلاح مازوجی
پخش سرودهای انقلابی

شعر خوانی از طرف محمد کمالی و عباس سماکار
زمان: یکشنبه 14 فوریه 2021
ساعت: 18:00 به وقت اروپا و 20:30 به وقت ایران

مراسم گرامی داشت روز کومه له به دلیل محدودیت های پاندمی کرونا به شکل دیجیتال و بصورت زنده برگزار می شود.

مکان: پخش زنده از طریق کانال peshrowcpiran
فیسبوک:

<https://www.facebook.com/peshrowcpiran>

اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/peshrowcpiran>

ما همه انسان های مبارز و دوستان کومه له و جنبش انقلابی کردستان و رفقای تشکیلاتی را به شرکت در این مراسم دعوت می کنیم.
تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست ایران - استکهلم

